

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## اهمیت نماز

درک حقیقت نماز، فقط برای انسان کامل به معنای مطلق کلمه دسترسی پذیر است. چراکه نماز در بین عبادات، به منزله‌ی انسان کامل در بین خلق و در جهان آفرینش است. بنابراین کسی که به مرتبه‌ی کمال مطلق انسانی رسیده است؛ به حقیقت تمام صلوة راه پیدا می‌کند و شاید به یک تعبیر بتوان گفت اصلاً حقیقت صلوة، همان حقیقت انسان کامل به معنای مطلق کلمه است. لذا امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود: «أَنَا صَلَوَةُ الْمُؤْمِنِينَ<sup>۱</sup>» نماز مؤمنین من هستم. حدیث دیگری از پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده که حضرت به امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودند: «يَا عَلِيُّ، أَنَا الصَّوْمُ وَ أَنْتَ الصَّلَاةُ<sup>۲</sup>» من رسول‌الله روزه‌ام و تویی امیرالمؤمنین نمازی. در حدیث معرفت به نورانیت که در جلسه آن را با هم خوانده‌ایم و در کتاب «مصباح الهدی» نیز از آن ذکر شده و در پایان کتاب هم متن حدیث به طور کامل با ترجمه‌اش آمده؛ امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودند: صلوة منم و هر کس ولایت مرا پذیرا شود؛ نماز را اقامه کرده است<sup>۳</sup>. بنابراین حقیقت نماز، حقیقت انسان کامل و ولی اعظم خداست و همان‌طور که شناخت ولی اعظم خدا در دسترس عموم خلق نیست؛ شناخت حقیقت نماز نیز از دسترس عموم خلق خارج است. پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به

۱- الفضائل ابن شاذان، شاذان قمی (شاذان بن جبرئیل)، قم: رضی، دوّم: ۱۳۶۳، ص ۸۴، حَدِيثُ مُفَاخَرَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَ مَعَ وَكَلِدِهِ الْحُسَيْنِ (ع).

۲.

۳. مجلسی، بحار، ج ۲۶، ص ۱.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: یا علی، خدا را نشناخت، مگر من و تو؛ و مرا نشناخت، مگر خدا و تو؛ و تو را نشناخت، مگر خدا و من<sup>۴</sup>. بنابراین راه دستیابی به معرفت کامل ولی اعظم خدا مسدود و دسترسی ناپذیر است؛ قلّه‌ای فراتر از دسترس اندیشه‌ی بشر است. همان‌طور که حضرت در خطبه‌ی شفشقیّه فرمود: «لَا يَرْقَى إِلَى الطَّيْرِ<sup>۵</sup>» هیچ شاهباز تیزپروازی به قلّه‌ی وجود من راه ندارد؛ هیچ اندیشه‌ی بلندی به درک حقیقت من امیرالمؤمنین راه ندارد. حال اگر نماز و امیرالمؤمنین یک حقیقت هستند؛ پس همان‌طور که کسی جز خود امیرالمؤمنین و خدای امیرالمؤمنین و رسول خاتم، به معرفت تمام و کامل حقیقت امیرالمؤمنین راه ندارد؛ به معرفت نماز هم کسی جز خود آن بزرگواران راه ندارد. بنابراین آنچه در طول تاریخ در مورد اسرار و آداب و احکام نماز گفته شده؛ همه سخن‌هایی در حدّ فهم گوینده بوده‌است. این فهم یا ناشی از شهود باطنی، یا ناشی از تلاش عقلی، یا برگرفته از آیات و احادیث بوده است. اما آنچه گفته شده، حتی در عمیق‌ترین و لطیف‌ترین شکل‌هایش، فقط در محدوده‌ی ادراک گوینده‌ی آن سخنان است و حقیقت و قلّه‌ی نماز چیزی فراتر از آن است. در عین حال تأکید می‌کنم همه‌ی ما باید راجع به این عبادت عظیم بیاندیشیم؛ مطالعه کنیم و در فهم و درک این عبادت عمیق شویم؛ چون نماز اعظم عبادات است؛ هیچ عبادتی در بین عبادات به عظمت نماز نیست.

تعبیر بلندی در عظمت نماز در احادیث از معصومین وارد شده که آنها را بارها در اینجا تکرار کرده‌ایم؛ منتهی<sup>۱</sup> ما واژه‌ها را بر زبان می‌رانیم؛ راه یافتن به حقیقت این واژه‌ها آثار بسیار بلندی دارد. فرمودند: «الصلوة معراج المؤمن<sup>۶</sup>» همان‌طور که می‌دانید، پیغمبر حکم نماز را از سفر معراج برای مؤمنین به سوغات آوردند. نماز معراج مؤمن است؛ یعنی رسول الله راهی را که خود در سفر اسراء طی کردند؛ با نماز به روی همه گشودند و خدا می‌داند با نماز به کجا می‌توان راه یافت. آیا نماز همان بُراقی است که رسول الله در سفر معراج با او به لقاء خدا رفت؟ «ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى<sup>۷</sup>». «الصلوة معراج المؤمن<sup>۸</sup>» نماز معراج مؤمن است. «الصلوة قربان كل تقى<sup>۹</sup>» نماز

<sup>۴</sup> ، تأویل الايات، ص ۱۴۵ و ۲۲۷.

<sup>۵</sup> - نهج البلاغه (للصباحي صالح)، شريف الرضي، محمد بن رضى، قم: هجرت، اول: ۱۴۱۴ق، ص ۴۸.

<sup>۶</sup> - بحار النوار، محمد باقر بن محمد تقى، بيروت: دار الإحياء التراث العربى، دوم: ۱۴۰۳ق، ج ۷۹، ص ۲۴۸.

<sup>۷</sup> - سوره‌ی نجم، آیات ۸ و ۹.

وسیله‌ی نیل هر انسان باتقوا به قرب حضرت حق است. در مورد هیچ عبادتی چنین تعبیر عظیمی نیست؛ نه حج، نه روزه، نه سایر عبادات. امام رضا علیه‌السلام فرمودند: «**الصَّلَاةُ طَلَبُ الْوَصَالِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى**»<sup>۹</sup> نماز طلب وصال خدای متعال است. یعنی مصلی و نمازگزار، سالکی است که درصدد راه یافتن به بساط قرب و نائل شدن به وصال حضرت حق است. «**المُصَلِّي مُنَاجِ رَبِّهِ**»<sup>۱۰</sup> نمازگزار کسی است که با پروردگار خود نجوا می‌کند. نجوا یعنی سخن محرمانه‌ی درگوشی گفتن و عشق‌بازی محرمانه کردن با معشوق. نمازگزار با پروردگارش مناجات و نجوا می‌کند. اینها تعبیر بسیار عجیبی است که خدا می‌داند هر کدامشان چه اقیانوسی از معارف بلند توحیدی و حقایق عرفانی را به انسان عرضه می‌کند.

در بین همه‌ی احکام دینی، نماز جایگاهی کاملاً اختصاصی دارد. «**الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ**»<sup>۱۱</sup> نماز عمود و ستون خیمه‌ی دین است. خیمه‌هایی را که با برزنت یا با پارچه و امثال آن می‌زنند دیده‌اید؛ یک ستون در وسط خیمه است که برزنت یا پارچه را در ارتفاع بلند کرده است. دور پارچه را هم با میخ به زمین کوبیده‌اند که باد آن را تکان ندهد. اگر ستون بیفتد یا نباشد؛ خیمه‌ای وجود ندارد؛ پارچه به کف زمین می‌افتد. اما اگر ستون باشد و خیمه برافراشته باشد؛ اگر هم چهار نخ از نخ‌های خیمه که با میخ به زمین گره خورده، شل شود؛ باز خیمه سر جایش است. «**الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ**» نماز ستون دین است. بدون نماز دینی بر جا نمی‌ماند؛ خیمه‌ی دین فرو می‌افتد. یا فرمود: «**إِنْ قَبِلَتْ قَبْلَ مَا سِوَاهَا وَ إِنْ رُدَّتْ رُدَّتْ مَا سِوَاهَا**»<sup>۱۲</sup> نماز چنین منزلتی دارد که اگر قبول شود؛ همه‌ی عبادات و اعمال صالح دیگر هم پذیرفته است و اگر رد شود؛ همه‌ی اعمال و عبادات

۸- کافی، کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، تهران: دارالکتب الإسلامیة، چهارم: ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۶۵.

۹- بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۲۴۶.

۱۰- مصباح الشریعة، جعفر بن محمد علیه‌السلام (امام ششم علیه‌السلام)، بیروت: اعلمی، اول: ۱۴۰۰ق، ص ۱۱۱، الباب الثانی و الخمسون فی العبادة.

۱۱- الأمالی للصدوق، ابن بابویه، محمد بن علی، بیروت: اعلمی، پنجم: ۱۴۰۰ق، ص ۶۴۱، المجلس الثالث و التسعون.

۱۲- همان.

دیگر نیز مردود است. لذا «إِنَّ أَوَّلَ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةَ<sup>۱۳</sup>» در روز قیامت و در پیشگاه الهی، اولین چیزی که به آن رسیدگی و حسابرسی می‌شود، نماز انسان است. به هر حال منزلت نماز، منزلت فوق‌العاده عظیمی است و لذا جا دارد برای این که با نماز به معراج برویم؛ به قرب نائل شویم و به وصال حق راه پیدا کنیم؛ چه در فهم و معرفت این عبادت، چه در عمل به آن، اهتمام بیشتری داشته باشیم. لذا در قرآن امر به محافظت از نماز شده است: «حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ<sup>۱۴</sup>» نمازها را محافظت کنید.

## اهتمام به نماز اول وقت

به این مقدمه که تأکید بر اهمیت جایگاه نماز و تأکید بر درک عمیق‌تر نماز بود، نکته‌ای دیگر را هم می‌افزایم و آن اهتمام به نماز است. وقتی راجع به نماز مطالعه می‌کنیم؛ می‌فهمیم که نماز چه حقیقت عظیمی است و چقدر بلند است و انسان نمازگزار در کجا به سر می‌برد؛ البته اگر نماز آن‌گونه که حقیقت نماز است به جا آورده شود؛ که مصلی با تکبیرة الاحرام همه‌ی عوالم را پشت سر می‌گذارد. شما در سیر و سلوک درصدد برمی‌آید عالم مُلک را پشت سر بگذارید و به عالم ملکوت راه پیدا کنید؛ ملکوت را پشت سر بگذارید و به عالم جبروت راه پیدا کنید؛ عالم جبروت را هم پشت سر بگذارید و با یک پرواز بلند، به عالم لاهوت راه پیدا کنید و بتوانید مقامات فنا و توحید را طی کنید. نمازگزار با تکبیرة الاحرام، مُلک و ملکوت و جبروت، هر سه را پشت سر می‌گذارد و وارد عالم لاهوت می‌شود؛ در محضر حق متعال به ادب به قیام می‌ایستد و مرتبه‌ی نخست توحید را که توحید افعالی است طی می‌کند. یعنی در مرتبه‌ای قرار می‌گیرد که دیگر در همه‌ی عالم هستی، فاعلی جز حضرت حق نمی‌بیند؛ نه خودش، نه دیگری. لذا اینجا نمازگزار خود خدای متعال است. خود خداست که حمد و تسبیح و تهلیل خود را می‌گوید. از همان تکبیرة الاحرامی که گفتید و وارد نماز شدید؛ ببینید به کجا وارد شدید! تا آن هنگام که نمازگزار به رکوع می‌رود؛ در رکوع وارد

<sup>۱۳</sup> - کافی، کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ج ۳، ص ۲۶۸، بَابُ مَنْ حَافِظَ عَلَى صَلَاتِهِ أَوْ ضَيَّعَهَا.

<sup>۱۴</sup> سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۳۸.

مرحله‌ی توحید صفاتی می‌شود و دیگر هیچ صاحب صفتی جز حقّ متعال در عالم نمی‌بیند؛ و هنگامی که به سجده می‌رود؛ به مرحله‌ی فنای ذاتی نائل می‌شود و آنجا دیگر هیچ هستی‌ای جز هستی خدا نمی‌بیند و این حقیقت را درک می‌کند که:

یکی هست و هیچ نیست جز او      وَحْدَهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

نماز حقیقتی به این عظمت است و خدای متعال این گوهر بزرگ عالم هستی را به برکت رسول خاتم به این امت عنایت کرده است. در هیچ‌یک از ادیان گذشته، نمازی به این عظمت وجود نداشته است. هیچ دینی نبوده که نماز نداشته باشد؛ اما نمازی به این عظمت در هیچ دینی وجود نداشته است. چه بسا انبیای گذشته حسرت چنین عبادتی را می‌خوردند. بنابراین نماز عطیه‌ی بسیار بزرگی است و لذا در عمل به این عبادت هم باید اهتمام فوق‌العاده‌ای داشت. مقید بودن به نماز اول وقت نکته‌ای است که همه‌ی بزرگان سلوک بر آن تأکید داشته‌اند که حتی اگر هنوز در نمازتان در منازل اولید و نمازتان هنوز کیفیت بلندی ندارد؛ اما به نماز اول وقت مقید باشید. پنج وعده نماز واجب را اول وقت بخوانید؛ نماز صبح را با گفته شدن اذان صبح به جا بیاورید؛ نمازهای دیگر را هم همین‌طور و مطمئن باشید اگر مصمم بر طی این مسیر و انجام این دستور باشید؛ به حقایق نماز هم راه پیدا می‌کنید. اگر نماز انسان را به اوج قلّه‌ی کمالات انسانی رهنمون می‌شود؛ شما با همین مقید شدن به نماز اول وقت، می‌توانید به مراتب بلندی که نماز انسان را بدان رهنمون می‌شود، راه پیدا کنید. نگویید در نماز ما که حضور قلب آن‌چنان، معرفت آن‌چنان، عشق آن‌چنان، تقوا و پاکی و طهارت آن‌چنان، نیست؛ خیر، همین نمازی که الآن می‌خوانید؛ هر جور است؛ مقید شوید به این که آن را اول وقت به جا بیاورید. نگذارید اقامه‌ی نمازتان از اول وقت بگذرد. هر چه پیش آمد؛ هر کار ضروری که پیش آمد؛ نگذارید روی نماز اول وقت تأثیر بگذارد. لذا در احادیث فراوان داریم؛ امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودند، ائمه‌ی دیگر علیهم‌السلام هم فرمودند همه‌ی اعمال را تابع نماز قرار بده.<sup>۱۵</sup> نماز را باید اول وقت خواند و وقت‌های دیگر را به سایر

۱۵. سید رضی، نهج البلاغه، نامه ۲۷.

کارها اختصاص داد. نه اینکه برای کارهای دیگر برنامه‌ریزی کنیم و هر وقت برنامه خالی شد؛ آن موقع به سراغ نماز برویم. امروز همه به صورت جدی به هم قول بدهیم که نگذاریم نمازمان از اول وقت به تأخیر بیفتد. این را مصمم شویم. با خدای خودمان عهد ببندیم که اگر خدای ناکرده تا حالا هم گاهی اوقات بی‌توجهی می‌کردیم؛ گاهی اوقات مشغولیتی برای خودمان فراهم می‌کردیم که نمی‌گذاشت اول وقت نماز بخوانیم؛ از امروز به بعد مصمم باشیم که نمازمان از اول وقت به تأخیر نیفتد. آن وقت خواهید دید با همین نماز دست و پاشکسته‌ای که می‌خوانیم؛ خدای متعال چه آثار و برکات عظیمی به ما می‌دهد. لذا به خواندن نماز در اول وقت مقید باشیم. الحمدلله همه‌ی شما به اصل نماز پایبند هستید؛ منتهی<sup>۱</sup> حال می‌خواهیم به اول وقت خواندن آن هم بیشتر پایبند شویم. اکثریت برادران و خواهرانی که در خدمتشان هستیم به نماز اول وقت مقید هستند؛ اما اگر بعضی‌ها مثل بنده، در گذشته بی‌توجهی می‌کردند و با عذرهایی، به تأخیر انداختن نماز را از اول وقت مجاز می‌دانستند؛ حال به هم قول بدهیم که دیگر نگذاریم نماز اول وقت از دستمان برود. در مورد نماز اول وقت تعابیر مختلفی هست. نماز اول وقت، نمازی است که هم‌آهنگ و همراه با نماز حجّت و ولیّ اعظم خدا برگزار می‌شود و به برکت نماز حضرت، نماز انسان هم قبول می‌شود. همان طور که می‌دانید سوره‌ی حمد را که در نماز می‌خوانید، به صیغه‌ی جمع می‌گویید: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ<sup>۱۶</sup>» در نماز اول وقت، در این جمع، امام زمان علیه‌السلام هم هستند. آیا دیده‌اید بعضی از کاسب‌ها جنس‌ها را درهم می‌فروشند؟ می‌گویند فلان جنس درهم است؛ این کارتن را یک‌جا به این قیمت می‌دهم. دیگر کسی حق ندارد جنس آن کارتن را سوا کند. ما هم اگر در نمازمان بگوییم: در هم «إِيَّاكَ نَعْبُدُ»؛ و این‌گونه به خدا بفروشیم؛ آن وقت خدا عبادت امثال بنده‌ی روسیاهِ خطاکار را با عبادت اولیائش یک‌جا می‌خرد. گفتیم: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» خدایا ما (نمازگزاران و از جمله، حجّت خدا) داریم نمازمان را دسته‌جمعی می‌فروشیم؛ خدا هم دسته‌جمعی می‌خرد. آن موقع نماز همه را پذیراست. عبادات همه مقبول درگاه حق واقع می‌شود.

<sup>۱۶</sup>- سوره‌ی حمد، آیه ی ۵.

وقتی انسان نمازش را اوّل وقت انجام می‌دهد؛ این حُسن را دارد که همراه با امام زمان علیه‌السلام می‌گوید: «**إِيَّاكَ نَعْبُدُ**». و خدا عبادت این نمازگزار را هم همراه با عبادت امام زمان علیه‌السلام، عبادت اولیاء خدا، عارفان بالله، انسان‌های اهل معنا و اهل کمال می‌پذیرد. پس این قول جدّی را از همه‌ی عزیزان گرفتیم که إن شاء الله نگذاریم نمازمان از اوّل وقت به تأخیر بیفتد؛ خصوصاً نماز صبح که بعضی‌ها در فصل بهار کمی تنبلی می‌کنند و سختشان است از بستر برخیزند. إن شاء الله به صورت جدّی هر پنج نماز را با اهمّتامی که به خرج می‌دهیم؛ اوّل وقت به جا بیاوریم. خود این اهمّتام آثار زیادی دارد؛ خیلی از کمالاتی را که در نماز ضروری است؛ اوّل وقت به جا آوردن نماز، إن شاء الله آنها را به دنبال می‌آورد.

## نماز ظاهری دارد و باطنی

نکته‌ی دیگر این است که نماز مثل عالم خلقت است؛ مثل وجود انسان است؛ ظاهری دارد و باطنی. همان‌طور که انسان ظاهر و باطنی دارد و این دو لازم و ملزوم هم‌اند؛ ظاهر و باطن نماز هم لازم و ملزوم هم‌اند. بنابراین نباید از باطن نماز غافل بود. گمان نکنیم نماز فقط اعمال ظاهری است و اذکار و قرائت و حرکات، همه‌ی نماز است! نه، این پیکره‌ی نماز است. پیکره به روحی نیاز دارد تا به یک موجود زنده تبدیل شود. روح نماز، باطن نماز است. نماز یک حقیقت ملکوتی و باطنی دارد که فردای قیامت ظاهر می‌شود. حتّی در احادیث داریم که وقتی کسی نماز اوّل وقت می‌خواند؛ حقیقت باطنی نماز، او را دعا می‌کند. می‌گوید: «**حَفَظْتَنِي حَفَظَكَ اللهُ**» وقتی نماز را آخر وقت می‌خواند، حقیقت باطنی نماز، نمازگزار را نفرین می‌کند؛ می‌گوید: «**ضَيَّعْتَنِي ضَيَّعَكَ اللهُ**»<sup>۱۷</sup> مرا ضایع کردی؛ خدا تو را ضایع کند. پس نماز حقیقتی دارد. موقع جان دادن، نماز مجسّم می‌شود؛ و کنار محتضر قرار می‌گیرد. در عالم قبر نماز به صورت یک انسان بسیار خوش‌سیما،

<sup>۱۷</sup> - فقه الرضا علیه‌السلام، علی بن موسی (امام هشتم علیه‌السلام)، محقق: مؤسسه‌ی آل‌البیت علیه‌السلام، مشهد: مؤسسه‌ی آل‌البیت علیه‌السلام، اوّل: ۱۴۰۶ق، ص ۱۰۳، باب الصلوات المفروضة.

مصاحب انسان مؤمن نمازگزار خواهد بود.<sup>۱۸</sup> این باطن نماز است. نماز فقط قرائت و اذکار و حرکات نیست. اینها پیکره‌ی نماز است. البته روح وقتی می‌تواند حضور پیدا کند که جسم سالمی وجود داشته باشد. اگر جسم انسان بیمار شود؛ روح بدن را ترک می‌کند. همان‌طور روح نماز هم در نمازی حضور پیدا می‌کند که پیکره‌اش سالم باشد. بنابراین دقت در انجام نماز، طبق موازین شرع و احکام فقهی، لازمه‌ی راه یافتن به باطن و ملکوت نماز است. احکام نماز را خوب یاد بگیریم. دشوار که نیست. در رساله‌های عملیه هست. خوشبختانه نرم‌افزارهای آموزش احکام بسیاری هم تولید شده و در دسترس است و جلساتی هم هست که در آن احکام شرعی را تدریس می‌کنند. احکام درست نماز خواندن را یاد بگیریم تا نمازمان صحیح و درست باشد. بعد از درست بودن، بحث مقبول بودن نماز مطرح می‌شود که به باطن و ملکوت نماز مربوط است. همان‌طور که صحت نماز مستلزم مراعات احکام ظاهری نماز است؛ راه یافتن به باطن نماز و مقبولیت نماز هم مستلزم مراعات آداب باطنی نماز است و اگر کسی آداب باطنی را به جا نیاورد؛ نمازش نمازی بی‌روح است؛ پیکره‌ی مرده‌ای است که هیچ خاصیت و سازندگی ندارد. و اگر خدای ناکرده نماز مقبول نشود؛ همه‌ی اعمال انسان هم مردود است و این خسارت بسیار عظیمی است. اگر نماز روح نداشته باشد و حقیقت زنده‌ی نماز در پیکر نماز نباشد؛ نماز مقبول نیست. وقتی مقبول نبود؛ همه‌ی اعمال دیگر هم مقبول نیست. پس انسان باید اهتمام بورزد تا نمازش در بُعد باطنی زنده باشد و آداب باطنی نماز در آن مراعات شود؛ این نکته‌ی مهمی است.

مثل همه‌ی عبادات دیگر، اصل روح حاکم بر نماز، اصل عبودیت است. کسی به حقیقت نماز راه دارد که به حقیقت عبودیت راه پیدا کند. اگر «الصَّلَاةُ مِعْرَاجُ الْمُؤْمِنِ» پیغمبر اکرم که سفر معراج را طی کردند؛ قرآن کریم راجع به این سفر فرمود: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَىٰ بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَىٰ»<sup>۱۹</sup> نفرمود: «أَسْرَىٰ بِرَسُولِهِ». فرمود: منزّه است خدایی که شبانه عبد

۱۸. مجلسی، بحار، ج ۶، ص ۲۳۴.

۱۹ - سوره‌ی اسری، آیه‌ی ۱.



خود را به معراج برد. واژه‌ی «عَبْدِهِ» خیلی عمیق است. نگفت عبدالله؛ نگفت عبدالرحمن؛ نگفت عبدالکریم؛ نگفت عبدالرحیم. هیچ‌کدام از اینها را نگفت. گفت: «عَبْدِهِ». «ه» مقامی بالاتر از مرتبه‌ی تعیناتِ اسمائی حضرت حقّ است؛ این عبودیت مطلق است. پس کسی به معراج راه دارد که «عَبْدِهِ» یا «عَبْدُهُ» شود؛ عبدِ «ه» شود؛ به عبودیت مطلق حضرت حق راه پیدا کند. او می‌تواند به معراج برود و «الصَّلَاةُ مِعْرَاجُ الْمُؤْمِنِ». پس برای این که بتوان این سفر آسمانی را طی کرد؛ باید به حقیقت عبودیت راه پیدا کرد. یعنی باید از انیت و انانیت خود خالی شد؛ از خودبینی، خودخواهی، خودسری و خودرأیی تهی شد؛ والاّ نماز از شخص پذیرفته نیست.

خودبینی و خودرأیی در مذهب رندان نیست      کفر است در این مذهب، خودبینی و خودرأیی

انسان خودبین و خودسر و خودرأی کافر است و نماز خواندن کافر چه فایده دارد؟! پس برای این که با نماز به معراج برویم؛ باید به عبودیت برسیم و برای رسیدن به عبودیت، باید از انیت و انانیت تهی شویم؛ از خودبینی و خودخواهی و خودرأیی و خودپسندی تهی شویم و نجات پیدا کنیم. و اگر کسی به حقیقت عبودیت راه پیدا کرد؛ به حقیقت ربوبیت راه پیدا می‌کند. در حدیث منسوب به امام صادق علیه‌السلام است که حضرت فرمودند: «الْعُبُودِيَّةُ جَوْهَرَةٌ كُنْهَهَا الرُّبُوبِيَّةُ»<sup>۲۰</sup> عبودیت گوهری است که کُنهِ آن ربوبیت و رسیدن به مقام خداگونگی و خلیفه‌اللّهی و تخلّق باخلاق‌الله و اصتباغ بصبغة‌الله است؛ و رسیدن به مقام ولایت است. پس کسی می‌تواند به حقیقت ربوبیت راه پیدا کند که به رقیقه‌ی عبودیت راه پیدا کرده باشد و کسی به عبودیت راه دارد که از خودخواهی و خودسری و خودرأیی خلاص شده و وجودش را از آن پاک کرده؛ تا نماز، نماز شود.

---

<sup>۲۰</sup> - مصباح الشریعة، جعفر بن محمد علیه‌السلام (امام ششم علیه‌السلام)، ص ۷، الباب الثانی.

هر جلسه قسمتهایی از آداب باطنی نماز را در کنار بحث نماز کتاب «مصباح الهدی» عرض می‌کنم، تا إن شاء الله با پایان بردن این مبحث، نکته‌هایی را در زمینه‌ی آداب باطنی نماز فراگرفته باشیم.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ